

نقل است که شیخ بایزید در پس امام جماعتی؛ نماز خواند.
پس از نماز؛ امام جماعت پرسید: یا شیخ!! تو کسبی نمی
کنی و چیزی از کسی نمی خواهی؛ از کجا می خوری؟
بایزید گفت: صبر کن تا این نماز را دوباره به قضا بخوانم.
گفت: چرا؟
گفت: نماز از پس کسی که روزی دهنده را نداند؛ روا نبود.
